



دوشنبه 1 بهمن 1397-15 جمادی الاول 1440-21 ژانویه 2019

رحلت محدث کبیر شیعه "حاج شیخ عباس قمی" صاحب مفاتیح الجنان (1319 ش)

رحلت محدث کبیر شیعه "حاج شیخ عباس قمی" صاحب مفاتیح الجنان (1319 ش)

آیت‌الله حاج شیخ عباس قمی در سال 1256 ش (1294 ق) در شهر قم به دنیا آمد. در ابتدا از محضر آیت‌الله محمد ارباب قمی فیض برد و سپس در 21 سالگی راهی نجف اشرف گردید. وی در نجف از محضر فقیهان بزرگی همچون: علامه سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ الشریعه اصفهانی و سید حسن صدرکاظمی بهره برد و اجازات متعدد اجتهاد دریافت کرد. شیخ عباس قمی به علت علاقه بسیار به احادیث و اخبار، ملازم خاتم‌المحدثین، علامه میرزا حسین نوری گشت و بیشتر اوقات خود را در این مسیر صرف نمود و اجازه روایت نیز گرفت. وی به کمک حافظه قوی، تلاش پیگیر و علاقه وافری که به شناخت راویان و محدثان راستگو و نقل اخبار اهل بیت (ع) داشت به جمع‌آوری حدیث همت گماشت به طوری که در طی سالیان اقامت در نجف، از شاگردان طراز اول استاد خود بود. ایشان در حدود سال 1292 ش (1331 ق) ساکن مشهد شد و در آنجا به مدت بیست و دو سال، به تصنیف و تألیف و تدریس پرداخت. درس‌های اخلاق شیخ عباس قمی با استقبال کم نظیر طلاب و علمای شهر مواجه شد و نزدیک به هزار نفر در آن شرکت می‌کردند. ایشان پس از تاسیس حوزه علمیه قم، به دعوت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری راهی این شهر شد و مدتی در آنجا اقامت نمود. در محضر پرفیض او، عالمان فرهیخته‌ای پرورش یافتند که حضرات آیات: سید حسین قمی، سید صدرالدین صدر، سید عبدالله شیرازی، حیدرقلی سردار کابلی، سید محمد هادی میلانی، محمد علی اراکی، سید محمدرضا گلپایگانی، سید محمود طالقانی و حضرت امام خمینی از آن جمله‌اند. محدث قمی گذشته از تبحر و استادی در علوم مختلف اسلامی، در ادبیات عربی و فارسی نیز عالمی چیره دست بود و به شعر و شاعری علاقه بسیار داشت و گاه خود نیز شعر می‌سرود. مجموعه آثار او متجاوز از هشتاد اثر است که در علوم مختلف به نگارش درآمده‌اند. آثار و نگاه‌های شیخ عباس قمی در این علوم نشان از روح تلاشگر و عظمت علمی وی دارد. کلمات لطیفه، علم الیقین، نفس‌المهموم، منازل الاخره و... از جمله سی کتاب تألیف شده ایشان می‌باشد. همچنین مفاتیح‌الجنان مهم‌ترین و معروفترین اثر آن عالم ربانی است. سرانجام وی در اواخر عمر راهی نجف شد تا اینکه در 1 بهمن 1319 ش (23 ذی‌حجه 1359 ق) در 63 سالگی رحلت کرد و در نجف اشرف در جوار قبر استاد خود، میرزای نوری مدفون گردید. ارایه نظریه "ولایت فقیه (توسط حضرت امام خمینی) در نجف اشرف (1348 ش)

اول بهمن 1348 ش، سرآغاز سلسله درس‌های زیربنایی "ولایت فقیه" یا "حکومت اسلامی" بود که حضرت امام خمینی (ره) همزمان با رهبری حرکت سرنوشت‌ساز بسیج نیروهای جوان و دانشگاهی و تشویق آنان به مطالعه و بررسی قوانین همه جانبه اسلام، در حالی که چند سالی از تبعیدشان در نجف اشرف می‌گذشت، در طی دوازده جلسه در مسجد شیخ انصاری ارائه نمودند. این بحث علمی نه تنها حوزه‌های علمی و محافل علمی روحانیت را با بیانی مستدل و فقهی به اصل تفکیک ناپذیری دین و سیاست متوجه می‌نمود، بلکه محیط‌های دانشگاهی را نیز با نظام سیاسی اسلام به عنوان یک ثنوری کامل و الهی برای حکومت اسلامی آشنا می‌کرد و روح خودکمی و بینی و خودباختگی را از این محافل آشنا با فرهنگ غرب می‌زدود. سخنان حضرت امام خمینی در این جلسات پس از مدتی تبدیل به کتابی با همین عنوان گردید و علی‌رغم ممنوعیت و تدابیر شدید ساواک ایران، به طرق گوناگون و مخفیانه به دست مبارزان داخل کشور می‌رسید. هر چند این کتاب در ابتدا جز در میان پیروان امام خمینی، با تاب گسترده‌ای ممنوعیت یافت اما پس از سه‌ی انقلاب اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. میلاد امام سجاد (ع)، بنا بر روایتی (38 ق)

ولادت امام سجاد (ع) به روایتی در تاریخ یک شنبه پانزدهم جمادی الاولی سال ۳۸ هجری قمری و به روایت دیگر، در پنجم شعبان المعظم همان سال در مدینه به وقوع پیوست. مادر مکرمه ی آن حضرت، شهربانو و پدر بزرگوارشان حضرت امام حسین (ع) می‌باشند. سجاد و زین العابدین از القاب مشهور آن امام همام می‌باشد که این القاب به دلیل کثرت عبادت به آن حضرت اطلاق شده است. آن امام عظیم‌الشأن در طول عمر پربرکتشان و در حوزه ی سیاسی برای پیش راندن مسلمانان به سوی نفرت از بنی امیه و افزودن حس مبارزه جویی با آنان، تلاش‌های مؤثری را به انجام رساندند و در فرصت‌های مختلف، مردم را بر ضد امویان تحریک می‌کردند. آن امام بزرگوار برای آگاهی مردم، شیوه ی دعا را به کار گرفتند، به گونه ای که به گفته ی بسیاری از عالمان علوم اسلامی، دعا‌های آن حضرت، بازگوکننده ی رویدادهای عصر آن حضرت‌اند. صحیفه ی سجادیه که به زور آل محمد (ص) مشهور است، اثر بی‌همتایی می‌باشد که در جهان اسلام، پیوسته مورد توجه بزرگان و علما و مصنفان قرار گرفته است.

اعدام "لویی شانزدهم" پادشاه فرانسه در جریان انقلاب این کشور (1793م)

وخامت اوضاع اقتصادی در فرانسه باعث شد تا لویی شانزدهم و هیأت حاکمه این کشور از نمایندگان طبقات مختلف جامعه برای اجتماع و یافتن راه حل کمک جویند اما در عمل، این طبقات اشرافی بودند که به منافع دست یافتند. با این پیش‌زمینه از اوایل سال 1789م انقلاب فرانسه وارد اولین مرحله خود شد و مردم خشمگین از اعمال مستبدانه لویی شانزدهم سر به شورش برداشتند. آنها پس از به غنیمت گرفتن توپ و تفنگ از دولت، در 14 ژوئیه 1789م زندان باستیل، محل نگهداری زندانیان سیاسی را با خاک یکسان کردند و ضربه‌های انقلابی را مستقیم بر حکومت دیکتاتوری وارد نمودند. در ادامه رویدادهای فرانسه، در دهم اوت 1792م، خاندان سلطنتی محبوس شدند و از سوی رهبران انقلاب، انقراض حکومت پادشاهی و تأسیس جمهوری اعلام گردید. ولی اتخاذ تصمیم نهایی درباره سرنوشت خانواده سلطنتی به عهده مجلس دیگری که کنوانسیون نامیده می‌شد محول گردید. بحث کنوانسیون درباره سرنوشت لویی شانزدهم 24 ساعت به طول انجامید و در این مدت، یک یک اعضای کنوانسیون، پشت تریبون رفته و پس از اظهار نظر، رای خود را اعلام می‌کردند. در تمام مدت تشکیل جلسه، در اطراف کنوانسیون، تظاهراتی به طرفداری از صدور حکم اعدام لویی شانزدهم جریان داشت. در چنین جوی، تصویب حکم اعدام پادشاه فرانسه در کنوانسیون، امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بود. در نهایت، این مجلس در 16 ژانویه 1793م، پیشنهاد اعدام لویی را داد؛ زیرا وجود لویی را خطر بالقوه‌های انقلابی برای جمهوری تازه تأسیس فرانسه می‌دانست. بدین ترتیب، لویی شانزدهم به جرم دیکتاتوری و نیز همدستی با کشورهای بیگانه محاکمه و در 21 ژانویه 1793 در 39 سالگی در میدانی که امروز به نام میدان کنکور معروف است به وسیله گیوتین اعدام شد. نکته شگفت‌آور اینکه او با همه ضعف و زبونی که در حل مسائل زندگی‌اش از خود نشان داد، مرگ را با شجاعت و خونسردی استقبال کرد.